

# مجله تاریخ اسلام

صاحب و مدیر: علی اکبر تشید  
سر دبیر: مهندس عباس تشید

روش و مرام مجله علمی دینی ادبی و تاریخی  
محل اداره: خیابان امیریه خیابان انصاری  
خانه شماره ۹۴ تأسیس ۱۳۲۰

شماره ۱۰ از دوره سوم

۱۷ شهریور ماه ۱۳۴۳

شماره تلفون منزل ۲۲۲۸۴ - دفتر ۶۴۳۵۵

بهاء تک شماره: ۱۰ ریال

چاپ اتحاد تلفن ۳۰۴۷۳۲

سجل بدار التقريب

بسم الله الرحمن الرحيم

مكتب شيخ الجامع الازهر

نص الفتوى - التي اصدرها السيد صاحب الفضيله الاستاد الاكبر الشيخ محمود شلتوت  
شيخ الجامع الازهر في شأن جواز التعبد بمذهب الشيعة الامامية .

\*\*\*

قبل لفضيلته - ان بعض الناس يرى انه يجب على المسلم لكي تقع عباداته ومعاملاته على وجه  
صحيح ان يقلد احد المذاهب الاربعة المعروفة وليس من بينها مذهب الشيعة الامامية و الزيدية  
قيل اتوافقون فضيلتكم على هذا الرأي على اطلاقه فتمنعون تقليد مذهب الامامية الاثنا عشرية -  
فاجاب فضيلته .

١- ان الاسلام لا يوجب على احد من اتباع مذهب معين بل نقول - ان لكل مسلم  
الحق ان يقلد باى مذهب من مذاهب المنقولة نقلاً صحيحاً و المدونة احكامها في كتبها  
الخاصة و لمن قلدو مذهباً من هذه المذاهب ان ينقل الى غيره اى مذهب كان ولا حرج عليه في  
شيئ من ذلك .

٢- ان مذهب الجعفرية المعروف بمذهب الشيعة الامامية الاثنا عشرية مذهب يجوز التعبد به  
شراً كسائر مذاهب اهل السنة .

فينبغي للمسلمين ان يعرفوا ذلك وان يتخلصوا من العصبية بغير الحق لمذاهب معينة فما كان دين الله  
وما كانت شريعته بتابعة لمذهب - او مقصورة على مذهب فالكل مجتهدون مقبولون عند الله تعالى  
يجوز لمن ليس اهلاً للنظر والاجتهاد تقليدهم والعمل بما يقررونه في فقههم ولا فرق في ذلك بين  
العبادات والمعاملات - محمود شلتوت .

\*\*\*

السيد صاحب السامحة العلامة الجليل الاستاد محمد تقي القمي السكر تير العام لجماعة  
التقريب بين المذاهب الاسلامية .

سلام اله عليكم ورحمته - اما بعد فيسرنى ان ابعث الى سماحتكم بصورة موقع عليها  
با مضائى من الفتوى التي اصدرتها في شان جواز التعبد بمذهب الشيعة الامامية راجياً ان  
تحفلوها في مجلات التقريب بين المذاهب الاسلامية التي اسهمنا معكم في تأسيسها و فقنا الله  
لتحقيق رسالتها .

شيخ الجامع الازهر

السلام عليكم ورحمة الله

محمود شلتوت

## تاریخ مشروطه

این روزها عید مشروطه بود و بنام آزادی خواهی جشن‌هایی در مرکز و ایالات و ولایات برپا بود که از مشروطه خواهان و رادمردان آزادی تجلیل و تقدیر نمایند.

و تاریخ وقوع قضایا از كتك خوردن سید تاجر قندی و اخراج مسیو نوز رئیس گمرک و قتل طلبه مدرسه حاج ابوالحسن و شدت عمل عین الدوله و تغییر صدر اعظم و موافقت شاه وقت با تأسیس مجالس بدون تصریح بمشروطه و پافشاری رجال نامی مانند مر حوم مشیر الدوله پدر مر حوم مؤتمن الملك و مخبر السلطنه بقیادت و هدایت جمعی از علماء اعلام مانند سیدین سندیین مر حومین طباطبائی و بهبهانی بصورت کتاب جدا گانه و مقاله در جرائد بی اندازه منتشر شده و نوشتن مقاله حاوی این مطالب تکرار مکررات، و ما وقت قارئین را باین قضایا اشغال نمیکنیم. ولی از زوایای تاریخ نکاتی را جمع آوری کرده ایم که اینک از لحاظ قارئین میگذرانیم - شاید که مورد توجه قرار گیرد.

### چرا مشروطه چند صد سال پیشتر شروع نشد؟

همه میدانند که قبل از طلوع سلطنت صفویه تمام نقاط ایران ملوک الطوائف و هر نقطه دارای رجال و عشائر مختلف بود که رؤسای آنان دم از استقلال زده و لدی الاقتضاء نام خود را شاه میگذارند.

آل جلایر در بغداد - قراقویونلو و آق قویونلو در تبریز - آل خلف در کرمان

وشیراز - امراء انجوی در شیراز، سپهبدان و سادات زیدی در مازندران مهالبه در کردستان و اتابکان در تبریز و شیراز و تمام این امراء یکی از دیگری خائف و دائم در فکر حمله و دفاع بوده و بسرعت از بین رفته و یا بوجود میآمدند .

عبیدزاکانی که مرد شوخی بود کتاب معروف گز بهو موش خود را بدین جهت تألیف نموده بوده است - **از میان رفت فیل فیل سوار** - تا اینکه شاه جنت مکان شاه اسمعیل صفوی از خانقاه اردبیل خروج کرده و بخونخواهی پدر و اجداد خود بشیروان لشکر کشیده است زیرا دونفر از اجداد و پدر او سلطان حیدر بقصد جهاد بدان سامان تاخته و شهید شده بودند اما شخص اخیر تا حدی موفقیت حاصل کرده بود که یعقوب یکی از سلاطین آق قویونلو که با سلطان حیدر قرابت هم داشتند با اهالی شیروان مخفیانه مساعدت نمود و سلطان حیدر را بقتل رسانیدند .

زیرا بعد از فتح شیروان بر سلطنت خود از صوفیه خائف بودند و سپس اولاد او را که سلطان علی و شاه اسمعیل اول و سلطان ابراهیم بودند در قلعه قهقهه فارس محبوس نمودند که در اثر فوت سلطان یعقوب و حدوث اختلاف بین پسرانش رستم میرزا و بایستقر که از طرف شیروانیان تقویت میشد در سر سلطنت ایران رستم میرزا ناچار با حاضار سلطان علی و برادرانش شده و بوسیله سلطان علی بایستقر را در جنگ شکست داده و بقتل رسانید و سپس ناجوانمردانه سلطان علی را هم بقتل رسانید که حسین بیگ لله باشی شاه اسمعیل رادر سن هفت سالگی برداشته و به لاهیجان فرار کرده و شش سال و نیم بسرپرستی میرزا علی کار کیا حاکم لاهیجان در آن حدود توقف نمود تا بعقیده صوفیه الهام غیبی بخروج و تشکیل سلطنت دعوتش کرد .

لذا بارز نجان رفته و صوفیان صافی ضمیر را بمعاونت خود دعوت کرده و بعضی از روساء عشائر مانند محمد استاجلو نیز بدو پیوسته و بصوب شیروان لشکر کشیدند - که با مختصر مقاومت شیروان و نواحی رافتح و انتقام پدر و اجداد خود را باقتل شیروان شاه گرفت و لسی جمعی از مخالفین در قلعه گلستان حصارى شده و غازیان صفوی را مدتی از پیشرفت کارشان بازداشتند .

گویند شاه یکشب در خواب دید که در شهر تبریز تاجگذاری میکند لذا صبح آن شب در موقع سان لشکر گفت شما را ملک آذربایجان بکاراست نه قریه گلستان و فرمانداد که لشکر صوفیه بصوب تبریز عزیمت کنند و بدون مقاومت سختی تبریز را گشوده و بلاد ایران را یکی بعد از دیگری صلحاً و یا با جنگ فتح نموده و مرکزیت فعلی ایران را بوجود میآورد و میتوان گفت که بعضی از ملوک الطوائف ایران از جهت ارادت بخاندان نبوت و ولایت تسلیم او شده و رفته رفته کشور محروسه ایران را با حدود وسیع آنروز در زیر پرچم پادشاه دیندار و مروج شیعه اثنی عشری تشکیل دادند.

این سلسله از شاه اسمعیل اول و شاه طهماسب و سلطان حیدر و اسماعیل دوم معروف بسنی و شاه محمد خدا بنده و شاه عباس کبیر و شاه صفی و شاه سلیمان و شاه سلطان حسین بزرگان از علماء مانند میرداماد و شیخ بهائی و خاتم المجتهدین را تکیه گاه سلطنت خود قرار داده و با آراء آنان امور مهمه را حل و فصل مینمودند و عدالت اسلامی که در عالم نظیر ندارد در کلیه امور برقرار بود و مردم ایران که تا آن تاریخ در تقیه بودند از حیث مذهب هم آزاد و کاملاً پیرو سلاطین خود و مختصر ناراحتی که بفکر رویه اروپا بیفتند نداشتند.

و بعد هم مردم دوچار راهزنان افغانی شده و چندی ناراحت بودند تا نادرشاه افشار طلوع کرده و مدتی مردم را سرشار فتوحات انتقامی کرده و ملت سرمست آسایش و غلبه بود و در ایام اخیره نادرشاه که از حیث فشار وصول مالیات نواحی مختلفه ایران بزحمت افتادند طولی نکشید که بقتل نادرشاه منتهی گردید.

و طلوع کریم خان زند دو مرتبه مردم را غرق در آسایش و راحتی کرد و زیاده از هر چه تصور شود مردم در این تاریخ از وضع حکومت خود راضی بودند و زمان تصدی قاجار به هم سلاطین اولیه مانند آقا محمدخان و فتحعلی شاه و محمدشاه فشار زیاد حکم فرما نبود ولی از اواخر دوره محمدشاه که سلطنت در آن خاندان ریشه گرفت شاهزادگان و رجال نزدیک بسطان بعد از قتل قائم مقام شروع به تعدی نمودند و این رویه

نیز چندان بطول نیا نجامید زیرا محمد شاه از بین رفته و ناصرالدین شاه تحت دستور و اشاره امیر کبیر بجلو گیری از تبذیر عوائد خزانه و اصلاح سرباز گیری و ایجاد فرهنگ بر آمد .

اما قتل امیر کبیر مجدداً اوضاع را بر هم زد و رجال دولت با استفاده های ننگ آوردست زدند - و اینگونه تعدیات و غارت و چپاولها از سلاطین وقت هم پوشیده نبود زیرا و لا تو حکام را با گرفتن وجوه نقد و تعهد پرداخت اقساط سالیانه بمأموریت اعزام میداشتند .

در این موقع بود که مردم بفکر تغییر رژیم افتادند که اولین اقدام قتل ناصرالدین شاه نتیجه مستقیم آن بود ولی ملایمت مرحوم مظفرالدین شاه قاجار بدو افکار را قدری تسکین داد اما رویه سخت گیری عین الدوله وضعف و کسالت شاه يك باره مردم را از سازش با دولت مأیوس کرد و با بذل جان شروع بمقاومت کردند تا بالاخره به نتیجه نهائی رسیدند .

اینکه بعضی نویسندگان تا آن تاریخ مردم را بی اطلاع از اوضاع دنیا دانسته و میگویند مردم برای چوبکاری تاجر قندی و یا گرفتن انتقام خون طلبه مقتول قیام کردند و عدالت خانه میخواستند و اساساً نمیدانستند که مشروطه چیست و بوسیله يك خانم انگلیسی خواستن مشروطه بآنان تلقین شد کذب محض و توهین بملت باستانی ایران است ایرانیان از دوره شاه عباس کبیر چهارصد سال قبل با اروپا سرو کار داشتند و مستشاران نظامی و فنی جلب میکردند .

و پذیرائی نمایندگان اقتصادی و عبور آنان از کشور عثمانی و زحماتی که تر کها تولید میکردند در تواریخ دوره صفویه تا قاجاریه مضبوط است و عملیات مستشاران فرانسوی در ایران در دوره ناپلئون کبیر و خروج آنان از ایران بتحریر روسها شرح مفصلي دارد .

استخلاص بندر عباس که بهمان مناسبت این نام را گرفت از دست اروپائیها افتخارات شاه عباس کبیر است لذا میتوان نتیجه گرفت که مردم بواسطه رضایت که

از سلاطین و دولت‌های وقت داشتند ساکت بودند نه اینکه نمی‌فهمیدند مشروطه چیست و یا از نحوه حکومت انگلیس‌ها که بزرگترین استبداد را در دموکراسی ظاهری پنهان کرده و مجری داشته و هنوز هم مجری میدارند خبر نداشتند و یا انقلاب کبیر فرانسه که دنیا را تغییر داد از مردم ایران پوشیده بود انقلاب در ملت‌ها همیشه بعد از توسعه ظلم و ستم و نحوه حکومتهای مختلفه ریشه گرفته و تدریجاً قوی شده و بتغییر رژیم منتهی شده است .

مردم ایران که با قتل عام مکرر از طرف مخالفین و معاندین تشنه دین اسلام و پیروی از اهل بیت طهارت بودند با ظهور دولت صفوی بزرگترین آرزوی خود رسیده بود دیگر معنی نداشته که نغمه دیگری ساز کنند و بعد هم در دوره گرفتاری در چنگال گرگان افغانی که فرصت چنین فکری را نداشتند و باطلوع نادر شاه افشار قلوب مجروح خود را با گرفتن انتقام از مهاجمین شفا داده و سر-مست بودند و اواخر دوره نادر که شاید طاقت نهضت ملی را داشت فوق العاده کوتاه بود و بعد هم تسلط کریم خان زند بنام و کیل الرعا یا بحدی عطفانه بود که مردم غیر آن را آرزو نداشتند .

اما در دوره قاجاریه کارد مردم با ستخوان رسید و از اواخر دوره ناصرالدین شاه یعنی بعد از قتل مرحوم امیر کبیر تدریجاً عده ناراضی‌ها زیاد شد و بدو آمده مرحوم سید جمال‌الدین اسدآبادی شروع بفعالیت کردند چه مرحوم میرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه مرید متعصب سید بود و بعد از قتل او که مردم مظفرالدین شاه را اسیر چنگال اشراف و شاهزادگان دیدند با تمام قوی دست با انقلاب زدند که منتهی بعزل عین‌الدوله و نصب مشیرالدوله شد و اولین مجلس شوری بوسیله مظفرالدین شاه افتتاح گردید .

ولی چون فرمان اولیه صراحت بمشروطه نداشت و کلاء مخصوصاً نمایندگان تبریز راضی نبودند زیرا متمم قانون اساسی که باید بامضاء محمدعلی شاه برسد بواسطه سعایت مستبدین درباری دوچار اشکال شده و مدت‌ها معوق مانده بود و

بطوریکه مرحوم مخبر السلطنه در نطق مفصل در دوره چهارم هنگام دفاع از اعتبار نامه خود گفته است هیچکس جرئت نداشت که لایحه آن را بعرض شاه برساند و من از جان خود گذشته و اوراق را نزد شاه بردم و در بین راه در باریان مرآتهدید کردند که اگر در این باب صحبت کنی حکم بقتل تو خواهد کرد ولی من نترسیده و بامذاکرات مفصلی محمدعلی شاه امتقاع دو وادار کردم که قانون متمم قانون اساسی را امضاء نمود و خودم اوراق را پنهان نموده و از دربار خارج شدم زیرا ممکن بود که برای ثبت و ارسال از مجرای رسمی در باریان اوراق گرفته و ازین ببرند و شاه را پشیمان بنمایند محمدعلی شاه هم بامن شرط کرده بود که باید ولایت آذربایجان را قبول کرده و از مجلس خارج شده و به تبریز بروم و من هم قبول کردم و بلافاصله شاه تأکید کرد که باید فوراً بمحل مأموریت بروم.

لذا به تبریز رفتم و تا ساعت طنین صدای توپ لیاخوف روسی بمجلس شوری ملی در تبریز بودم ولی بعد از این واقعه نامه ای از محمدعلی شاه بمن رسید که تو از خانواده رجال قدیمی زمان اجداد من هستی و باید با من در اصلاحات کشوری مساعدت و همراهی کنی و من متحیر شدم که چه جواب بدهم زیرا بعد از ورود به تبریز فهمیدم که محمدعلی شاه هیچیک از رجال خوشنام را نتوانسته بود راضی کند و بآذربایجان نفرستد و چون بین من و رئیس الوزراء وقت مرحوم سعدالدوله تقاضی وجود داشت محمدعلی شاه خواسته بود که هم مرا از مرکز دور و هم از تبریز خاطر جمع شده و دست بعملیات کوبیدن مشروطه خواهان بزند.

اما من چه کردم بنام سرکشی بولایات تحت نظر خود از تبریز خارج شده و از راه عثمانی یکسر باروپا رفته و تا زمان قیام آزادی خواهان متوقف بودم و مرحوم سردار اسعد هم در پاریس بود که جمعی از ایرانیان او را متقاعد کردند که باصفهان رفته و علم مخالفت باشاه را باهتزاز در آورد و مرا هم بایران فرستادند که میلیون را تقویت کنم.

و هر دو در کار خود توفیق حاصل کردیم زیرا مرحوم سردار اسعد باروئسای



بختیاری فوراً لشکری ترتیب داده و بطهران رو آورد و مرحوم سپهدار که اخیراً سپهسالار شد از رشت بقزوین عزیمت نموده و به تفصیل جنگ بادامک که در تاریخ مشهور است هردو لشکر مجاهد و آزادی باهم توأم شده و فاتحانه وارد طهران و محمدعلی شاه را از ایران باقرارداد خاصی خارج نمودند.

مرحوم مخبر السلطنه در این نطق تقریباً گفته است که عامل مؤثر تجدید مشروطه بعد از ظنین توپ لیاخوف و خرابی مجلس شورای ملی مرحوم سپهسالار است و بس و گفته است که صدای آزادی جز از تبریز از هیچ جای ایران بلند نبود و محمدعلی شاه هم دائماً از سپهسالار میخواست که بعین الدوله ملحق و آزادی خواهان تبریز را سرکوب کنند ولی سپهسالار بجای عزیمت به تبریز قوای مجاهدین را به طهران سوق داد.

و سردار اسعد هم وقتی از اصفهان بطرف طهران حرکت نمود که از طرف سپهسالار اطمینان حاصل کرد که بجای حمله به تبریز بمرکز حمله خواهد کرد بهمین جهت نامبرده رئیس هیئت مدیره موقت که تصمیمات آن هیئت قانون بود معرفی و بعد هم نخست وزیر شد،

از قضایای خیلی عبرت آور آن است که شش ساعت بعد از ورود سپهسالار و سردار اسعد لیاخوف روسی با تمام لباس رسمی در مجلس حاضر شده و شمشیر خود را بآدمی دست بسرداران فاتح تسلیم نمود و بامر آنان مجدداً بکمر خود بسته و موقنادر دیویزیون قزاق ابقاء گردید.

مدیر مجله

## بیست و دومین سال انتشار مجله تاریخ اسلام

مجله تاریخ اسلام در روز ۲۴ آبان سال ۱۳۴۳ وارد بیست و دومین سال خدمتگذاری خود میشود و مفتخر است که در این مدت موفق به نشریاتی شده که تماماً زیب کتابخانهها است و یکسطر از آنها دور انداختنی نبوده است چه علاوه بر شمارات قاهیا نه که در سه دوره گرفتاری به تعطیل و توقیف، و تجدید امتیاز منتشر شده مؤلفاتی هم بصورت کتاب دفعة و یا جزء جزء بچاپ رسیده و مجموع آن مجدداً بصورت کتاب نشر شده و بشرح ذیل است .

۱ - اولین تاریخ امارت شیعه - هیجده ماه حکومت شیعه عراق و انتقام اهل بیت طهارت - این کتاب مشتمل بر یکصد و بیست صفحه چهاربرك و نیمی است و فعلاً بچندین برابر قیمت اصلی خرید و فروش میشود .

۲ - کشور دوزخ - انتقاد ملیح تولستوی روسی از کلیسا - است که بصورت جنگ شیطان و اتباعش با حضرت مسیح طراحی شده و قبلاً فاتح منازعه حضرت مسیح و در خاتمه یعنی بعد از تشکیل کلیسا و نشر رسوم مبتدعه آن فاتح شیطان رجیم است .

این دو کتاب را که یکی تلخیص و دیگری ترجمه بود اشخاص استفاده جو بصورت نمایشنامه در آوردند ولی با تحریص رفقاء بنده اعتراض نموده فقط عدم رضایت خود را بخواص از علماء و طلاب و مقدسین گوشزد کردم که کسی بر من معترض نباشد .

۳ - قیام سادات علوی که قبلاً جزء جزء منتشر و سپس بقطع وزیری ۲۶۰ صفحه چاپ شده و فعلاً نایاب است .

۴- پنج مقاله تشید که بعد از انتشار مقالات بصورت کتاب کوچکی بچاپ رسید  
وتاده برابر قیمت روز انتشار ترقی کرده و حال هم نایاب است .

۵- قهرمانان اسلام جلد اول ۲۵۰ صفحه وزیری مشتمل بر زندگی اصحاب  
حضرت رسول اکرم ص آندسته که بعد از وفات آنحضرت پیروی اهل بیت طهارت را  
نصب العین خود قرار داده و اعمال آنان موجب نشر و ترویج مذهب حقه گردید.

۶- کتابی بنام زندگی مرحوم دکتر امیراعلم مشتمل بر اقدامات بهداشتی  
و وطنخواهی و حفظ و حراست مدرسه خیریه که امروز بنام منتظمی نامیده میشود و  
به بهترین طرزى تحت نظر تیمسار سپهد آقاولی و آقایان میرسید جمال الدین اخوی  
ابوالحسن حکیمی- مهندس عبدالمجید اعلم و علی اکبر تشید مدیر این مجله اداره  
میشود- و یکصد و هشتاد طفل یتیم و فقیر- در دبستان با دادن نهار گرم و لباس و لوازم در  
این مدرسه مشغول تحصیل هستند و ۲۰ خانوار بعنوان معلم و فراش و آشپز و  
سرایدار و استادان عملی صنعتی ( نجاری - کفاشی - خیاطی ) از آن بهره مند  
میشوند .

۷- نداهائی از بیت المقدس - و عبری ندوات من بیت المقدس مشتمل بر ۲۶۰  
صفحه وزیری مشتمل بر مجموع مذاکرات مؤتمر اسلامی سال ۱۳۸۱ قدس شریف  
که یکصد و چهارده نفر از ۲۵ کشور اسلامی گرد آمده و در ابتلائات کشورهای اسلامی  
و تسلط کفار بر بعضی از قسمت های ممالک مسلمین چاره جوئی میکردند .

۸- جلد دوم قهرمانان اسلام مشتمل بر ۲۴۵ صفحه وزیری بشرح جلد اول-  
و امیدواریم که بیاری خداوند قادر متعال بتوانیم همین رویه را تعقیب نماییم .

و ضمناً از رفقاء و دوستان و جراید و مجلاتی که بیست و دومین سال انتشار را  
بوسائل نامو تلگرات و یادرج در جریده تبریک گفته اند نهایت درجه امتنان و  
تشکر را داریم .

هیئت تحریریه مجله تاریخ اسلام

## تاریخ کتابخانه در دنیا

تأثیر کتابخانه در عالم اولین و آخرین وسیله ایست که بشر را بشا همراه هدایت می کشاند زیرا هیچ چیز بدی در روی کاغذ نیامده و ضبط نمیشود و مخصوصاً متقح ترین مطالب قابل استفاده کتاب است که بهترین رفیق در سفر و حضر و جوانی و پیری است.

کتابخانه در ایام قدیم هم یعنی قبل از اسلام که تواریخ مدونه آنها چندان قابل اعتماد نیست وجود داشته اما ما زیاد وقت خود را در این باب صرف نکرده مشهور است کتابخانه های بزرگ در ایران و مصر بود و فاتحین این کشورها آنها را سوزانیده اند که از بحث ما خارج است ولی در اسلام مطابق تواریخ متقنه کتابخانه های درساوه و مرو بوده که نوشته اند در دنیا نظیر نداشته و بدست مخرب مغول از بین رفته است.

در عصر حاضر از کتابخانه های مشهور کتابخانه آستان قدس رضوی سلام الله علی صاحبها است که بوسیله جمعی از فضلاء معاصر مانند جناب آقای اوگنائی بطرز بسیار خوبی اداره میشود و کتابخانه ملی - و کتابخانه مجلس شورای ملی - و کتابخانه تاریخی سلطنتی و کتابخانه ملک و کتابخانه حضرت عبدالعظیم و کتابخانه مسجد سپهسالار و کتابخانه دانشگاه - و کتابخانه عمومی منتظمی در تهران است. که هر یک با بودجه کافی تحت نظر رجال ذی علاقه بطور عالی و یا متوسط اداره میشود.

کتابخانه عمومی منتظمی بتولیت تیمسار سپهد آق اولی و جنابان آقایان

میرسید جمال‌الدین اخوی و مهندس عبدالمجید اعلم و ابوالحسن حکیمی و علی اکبر تشید که متولی و متصدی هست اداره میشود .

و کتابخانه‌های شهرهای نجف و کربلا و کاظمین عراق هم کلاً جنبه ایرانی داشته و بطرز آبرومندی جلب توجه مینماید .

مکتبه امیرالمؤمنین علیه‌السلام - بوسیله حضرت آیه‌الله امینی تأسیس و اداره میشود و بتناسب عمر تأسیس خود که شاید بده سال نرسد با کتابخانه‌های بزرگ عالم رقابت مینماید این طفل یکشبه رده صدساله میرود .

کتابخانه آستان نجف - کتابخانه‌های خصوصی مدارس قدیمه نجف - کتابخانه جامعه‌الدینی که اخیراً هم مدرسه و هم کتابخانه بوسیله جناب آقای حاج محمد تقی اتفاق تأسیس شده است .

و کتابخانه سیدالشهداء العامه در کربلا که اخیراً بوجود آمده است که ما بتناسب اطلاع بیشتری که در اطراف این کتابخانه داریم در این باب بیشتر بحث خواهیم کرد .

این کتابخانه بازحات و مشقات فوق‌العاده جناب شریعتمدار آیه‌الله آقای میرسید نورالدین میلانی مقیم کربلا می‌باشد بر فرزند برومند حضرت آیه‌الله العظمی آقای میرسیدهادی میلانی مدظله‌العالی نزیل‌مشهد مقدس و مرجع تقلید قسمتی از شیعیان عالم تأسیس شده است .

و امروز از بهترین کتابخانه‌ها بشمار می‌آید زیرا معزیه‌الیه کتابخانه یکی از علماء بزرگ (مرحوم اردوبادی) را خریداری و بدین کتابخانه نقل داده است و آن کتابخانه که یک نفر مجتهد در روی احتیاج تحصیلی و فتوایی تدریجاً در مدتی طولانی تنظیم نموده بوده دارای انواع و اقسام کتب لازمه است و باز هم تمام مساعی خود را در تکمیل این موسسه بکار میبرد و با موقعیت شایسته که خودش آیه‌الله و فرزند آیه‌اللهی بزرگ است و ساکن محلی دارای مرکزیت مسلمانان عالم مانند کربلا است با توسل با جداد طاهرینش دائماً در جدیت و فعالیت برای پیشرفت این کتاب

خانه است اخیراً طبق آئین نامه‌ای که بعنوان مؤسس تنظیم و مجری داشته و برای همیشه معتبر است زیرا این حق برای مؤسس از قواعد عقلائی و مانند وقف نامه موقوفات است که لایغیر و لایبدل - مقرر است که همه ساله شورائی بنام شورای کتابخانه در ماههای رجب و شعبان که ماههای زیارتی است در کربلا با عضویت جمعی از فضلاء مسلمانان علاقه‌مند از کشورهای اسلامی تشکیل و در امور کتابخانه مطالعات تکمیلی و اداری بعمل آورند .

اعضاء این شوری ۱ شخص مؤسس رئیس دائمی غیر قابل تغییر ۲ یک نفر ایرانی که شخص دوم شوری بحساب می‌آید ۳ یک نفر پاکستانی ۴ یک نفر افغانستانی ۵ یک نفر هندوستانی - هندوستان بعد از تفکیک از پاکستان باز باستانی پاکستان و اندونزی از تمام کشورهای اسلامی زیادتر مسلمان دارد ۶ یک نفر عراقی ۷ یک نفر سوری ۸ یک نفر لبنانی ۹ یک نفر اردنی است .

این شوری در سال یک دوره مشتمل بر چندین جلسه داشته که علاوه بر امور کتابخانه لای اقتضاء به تبلیغ دینی و مذهبی هم اشتغال می‌ورزند .

هر يك از اعضا باید گزارش خود را در اقداماتیکه برای کتابخانه سیدالشهداء العامة یا کتابخانه دیگر و یا هر اقدام اسلامی که در ظرف سال انجام داده اند قیلاً داده و از مجموع گزارشها سالانه شوری تهیه و چاپ و منتشر میشود - و سپس هر امری را که شوری در سال بعد بر نامه قرار میدهد و بعضو خاص اعلام میکند آن عضو برای انجام آن در حدود قدرت خود تعهد انجام مینماید .

زیرا این هیئت يك مجمع اسلامی است که علاوه بر اداره و تکمیل کتابخانه هر کاری که مفید برای اسلام بدانند و انجام آن ممکن باشد وجه همت خود قرار خواهد داد .

مسافرت اعضا بعراق بخرج خودشان و یا دولت متبوعه آنان خواهد بود و کتابخانه تعهدی در این باب ندارد ولی توصیه لازم را بدول متبوعه اعضا برای تهیه وسائل مسافرت آنان بعمل خواهد آورد و منوط بعلاقه دول اسلامی است .

بعلاوه ممکن است که مؤسس کتابخانه بهر يك از اعضاء برای مطالعه در امر مربوط بکتابخانه و یا يك امر دیگر اسلامی یکی از اعضاء را برای مسافرت بکشور های اسلامی مأمور نماید. در این صورت هم هزینه مسافرت بعهده کتابخانه نیست و شخص داوطلب باید خود شخصا هزینه مسافرت را بپردازد.

در خاتمه هر دوره صورت مجلس مشتمل بر حضور و غیبت اعضاء و لدی الاقتضاء تقدیر از اعضاء فعال تعیین وقت دوره بعد تهیه و برای دولت متبوعه آن عضو فرستاده خواهد شد.

توضیحا علاوه میشود که عضو ایرانی شوری جناب آقای علی اکبر تشید مشاور حقوقی بازنشسته مجلس شورای ملی مدیر مجله تاریخ اسلام است که در امر کتابخانه و نویسندگی تخصص داشته و از طرف مؤسس اولین مرتبه بشرکت در این امر خیر دعوت شده و افتخارا پذیرفته اند. اسناد این انتخاب مستقیما بوزارت کشور و امور خاجه دولت شاهنشاهی ایران ارسال و با حسن قبول تلقی شده و بطرز آبرومندی مقرر گردیده که نامبرده مانند مأمورین دولت با تشریفات لازمه همه ساله بطور افتخاری در این شوری شرکت نمایند.

هیئت تحریریه

(دفتر مخصوص شاهنشاهی)

کتابخانه و اسناد

شماره ۱۳۵۹

تاریخ ۱۳۵۹

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی تهران

مهر و امضاء

دفتر مخصوص شاهنشاهی



~~Handwritten scribbles or crossed-out text.~~

محمد الحسین بن طلال محمدرضا الشکر لله رب العالمین

لقد تریا الصفاة الحمیة الی الیقین بها سعاة السید عید الکریم سید  
فقد سخرناه وکرم الیقین الی الیقین وکرم الیقین الی الیقین  
من ولولنا ولولنا بنزلنا

صدر عن قصرنا بصفاة زعمان فی الیوم الثاني من شهر رمضان المبارک  
سنة الف وثلثمائة وثمانین وثمانین هجرية المولفة للیوم السابع والعشیرین من شهر  
کافوف الیوم الثاني سنة الف وثلثمائة وثمانین وثمانین هجرية

بمربوطة مولای (صدره) المضم

~~Handwritten scribbles or crossed-out text.~~

شیخ المصنف المصنف المصنف



کمر ابتدا لطفاً عرض رسانید. واستغای اجازه فرمودند. نیا...  
شکر را دارم و امیدوارم که ملت ایران در نتیجه کوشش و سعی شاهنشاهی و دولت  
همیشه درمهد آسایش و رفاه غنوه باشد.  
و همچنین از جناب آقای اکرم... دولت فاشی اردن در بار  
ایران که از رجال آزادی خواه... و مبلغ بزرگ مسلمان عالم

آقای علی اکبر تشید مدیر مجله تاریخ اسلام. عطف بنامه  
تاریخ ۴۳/۵/۲۱ مورخ ۴۳/۵/۶ رونوشت نامه شماره ۴۳/۲/۲۷/۱۴۸۸  
شماره ۲۲۰۱ ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی مبنی بر ابلاغ اوامر  
س/۲۵ ذات ملوکانه دائر بصدور اجازه در قبول و استعمال نشان  
استقلال دولت اردن هاشمی و نامه شماره ۳۶۴۷ س/۵ ۴۳/۳/۶/۵ صادره بوزارت امور  
خارجیه جهت اطلاع بضمیمه ارسال میگردد. خ  
از طرف وزیر کشور دکتر زنگنه

تاریخ ۴۳/۲/۲۷

شماره ۱۴۸۸

(دفتر مخصوص شاهنشاهی)

جناب آقای دکتر صدر وزیر کشور

عطف بشماره ۱۵۴۵۱ س/۱۵ مورخ ۴۲/۱۲/۲۸ در مورد کسب اجازه قبول و استعمال  
نشان استقلال از درجه دوم با آقای علی اکبر تشید تبعه ایران (مدیر مجله تاریخ  
اسلام اهدائی دولت اردن هاشمی مراتب از شرف عرض لحاظ همایونی گذشت و  
مورد تصویب واقع گردید امر و مقرر فرمودند قبول نمایند.

رئیس دفتر مخصوص شاهنشاهی هیراد



## وزارت کشور

وزارت امور خارجه پيرو نامه شماره ۱۵۴۵۱ ۴۲/۲/۲۶ موضوع كسب اجازه قبول و استعمال نشان استقلال از درجه دوم با آقای علی اکبر تشید تبعه ایران اهدائی دولت اردن هاشمی - طبق نامه شماره ۴۳/۲/۲۷/۱۴۸۸ ریاست دفتر مخصوص شاهنشاهی مراتب از شرف عرض لحاظ همایونی گذشت و مورد تصویب واقع گردید امر و مقرر فرمودند قبول نمایند.

وزیر کشور دکتر صدر

وزارت امور خارجه  
اداره تشریفات  
شماره ۱۷۸۲ ر ۱۱  
تاریخ ۲۰ ر ۳۳ ر ۴۳

آقای علی اکبر تشید مدیر مجله تاریخ اسلام - بدین وسیله با اطلاع شما میرساند که طبق نامه شماره ۱۵/۳۶۴۷/س مورخ ۱۳۴۳/۳/۶ وزارت کشور اجازه قبول و استعمال نشان استقلال از درجه دوم که از طرف اعلیحضرت ملك حسين به شما اهداء شده شرف صدور یافته و اینک با ابلاغ اراده سینه خواهشمند است وصول این نامه را اعلام نمائید.

رئیس اداره تشریفات



از بذل مرحمت و الطاف اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران که اجازه قبول نشان را مرحمت فرموده و همچنین از مساعی وزارتین جلیلتین امور خارجه و کشور

که مرا تبراً لطفاً بعرض رسانید. و استدعای اجازه فرموده اند نهایت درجه امتنان و تشکر را دارم و امیدوارم که ملت ایران در نتیجه کوشش و سعی شاهنشاه و دولت همیشه درمهد آسایش و رفاه غنوده باشد.

و همچنین از جناب آقای اکرم زعیترا سفیر کبیر دولت هاشمی اردن در دربار ایران که از رجال آزادی خواه کشورهای عرب و مصلح بزرگ مسلمین عالم و اولین ناطق از منورین اسلامی است و در اعطاء این نشان افتخار عامل موثر بوده اند نهایت درجه امتنان را داشته و ضمناً تذکری معروض و استدعای عطف توجه دارم دولت‌هائی مانند آمریکا و غیره انجمن فرهنگی در ایران تشکیل داده اند انجمن فرهنگی ایران و ترکیه و ایران و پاکستان هم مدتی است شروع بکار کرده اند و حال آنکه احتیاجات ایرانیان بلغت ترک واردو چندان مبرم نیست ولی تقریباً تمام ایرانیان احتیاج فوق العاده بلغت عرب دارند زیرا از نقطه نظر اعتقادات دائماً قسمتی از مردم این کشور در عراق و اردن و سوریه و حجاز بسر میبرند و بزبان علاوه برعلاقه دیانتی نهایت درجه احتیاج را برای رفع حوائج روز مره و مسافرت خود دارند لذا از مقام سفارت اردن هاشمی جناب آقای اکرم زعیترا استدعا میشود در تشکیل انجمن فرهنگی ایران و عرب اقدام فرموده و این اثر را در این کشور بیادگار بگذارند مضافاً باینکه بعقیده اینجانب از دولت هاشمی اردن دولت عرب دیگری سزاوارتر نیست که باین امر مهم مبادرت ورزد زیرا در رأس این دولت سید جلیل القدر و عظیم الشانی قرار گرفته که خصوصیات او منحصر بخودش است چه هم اولاد پیغمبر و هم دارای مقام سلطنت و هم وارث شرفاء مکه و هم یکی از بزرگترین اماکن مقدسه (بیت المقدس) مورد مراد مسلمانان عالم در کشورش واقع است لذا تعلیمات عربی هم بعهده کار گزاران دولت جاویدان معظم له است (صلاح مصلحت خویش خسروان دانند).

علی اکبر تشیدمدیر مجله تاریخ اسلام

## شکسته استخوان داند بهای مومپائی را

این مثال که بشعر در آمده و میتوان آنرا حکمت نامید در موردی بکار میرود که یکی از اهل فن با استنباط و یا اختراع اهل فن دیگر برخورد کند و کاملاً قدر-شناس و حدود امانت را محفوظ نگاه داشته و آن اختراع و یا استنباط را بنام مخترع و مستنبط معرفی نماید .

همه خوانندگان میدانند که مدیر ما اهل علم و در تهیه اجوبه سئوالاتی که جنبه ادبی و یا فقهی داشته باشد کاملاً تواناست و لسی در عین حال از طرف شخص بنام محمد علی قاهانی سئوالی از ما شده که تمام فروض جواب آنرا جناب آقای محمد علی انشائی در روزنامه شریفه طالب حق که در رشت منتشر میشود بطور مقاله نوشته است .

گرچه از مقالات این روزنامه مکرراً استفاده شده ولی هیچ وقت مثل این دفعه تیر بهدف نرسیده است لذا بر حسب امر مدیر عین مندرجات روزنامه طالب حق را در جواب سائل بنام نویسنده بدون تصرف درج مینماید و توصیه میشود که آقای قاهانی نوشته مزبور را با دقت مطالعه نمایند .

امیدواریم که سائر نویسندگان نیز بما اقتداء کرده و هر وقت از مندرجات مجله تاریخ اسلام استفاده کردند رعایت امانت را کرده و بنام نویسنده در کتب و جریده خود درج نمایند .

مجله تاریخ اسلام

## مراسم ازدواج

اگر کسی زنی را که در عقد زوجیت دیگری یادر عده است از روی جهل به ازدواج خود در آورد و با او نزدیکی کند طبق ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی آنزن براین مرد برای همیشه حرام میشود و در ماده مزبور تصریح شده که جهل مرد چه بتمام امور مذکور در ماده ۱۰۵۰ با یکی از امور مذکوره باشد بنابراین ممکن است مرد جاهل باشد که زن شوهر دیگر دارد یا نه یا نداند که زن در عده طلاق یا وفات است یا خیر و یا آگاه نباشد که زن شوهر دارد و یا زنی که در عده طلاق یا وفات است نمی توان عقد نمود و با اینحال زن را بعقد خود در آورده با او آمیزش هم کرده در اینصورتها زن بر مرد مزبور حرام مؤبد است.

مدرک این دستور روایاتی است که چندتای آنرا ذیلا بیان میکنیم :

۱- عن الحلبي عن ابي عبد الله قال اذا تزوج الرجل المرأة في عدتها و دخل بها لم تحل له ابدًا عالمًا كان او جاهلاً وان لم يدخل بها حلت للجاهل ولم تحل الاخر ، حلبي از امام صادق (ع) نقل میکند که فرمود چون مرد با زن در عده آنزن ازدواج کرد و با او آمیزش نمود آنزن بر مرد مزبور ابدًا حلال نخواهد بود چه عالم یا جاهل باشد و اگر با زن آمیزش نکرده باشد زن بر مردی که جاهل (بحکم یا موضوع است) حلال و بغیر او حرام خواهد بود .

۲- قبلاً گفتیم که اگر زنی از شوهرش حامله باشد و شوهر او فوت شود این بانو باید دورترین مدت را عده خود قرار دهد یعنی اگر قبل از چهار ماه و ده روز وضع حمل کرد عده او همان چهار ماه و ده روز است و اگر چهار ماه و ده روز از زمان فوت شوهر گذشت و این بانو وضع حمل نکرد عده او تا زمان وضع حمل او است با توجه باین تذکر روایت زیر را مطالعه فرمائید .

حلبي میگوید از امام صادق (ع) درباره زن حامله که شوهرش فوت شده بود پرسش شد که این بانو بعد از وضع حمل و قبل از گذشتن چهار ماه و ده روز با شخصی ازدواج کرد امام (ع) فرمود :

ان کان دخل بهافرق بینهما ولم تحل له ابدا، یعنی اگر آن مرد با این زن نزدیکی کرده باید بین آنان جدائی حاصل شود و این زن بر آن مرد برای همیشه حلال

نیست. این دستور شامل موردیست که مرد جاهل بحکم یا بموضوع و یا جاهل بهردو باشد، در تمام این حالات نزدیکی مسبوق با ازدواج موجب حرمت دائمی خواهد بود.

۳- محمد بن مسلم میگوید از امام باقر (ع) پرسیدم مردی با زنی در عده آن زن ازدواج کرد (دستور چیست) امام فرمود:

ان کان دخل بهافرق بینهما ولم تحل له ابدا، اگر بزنی دخول کرده باید بین آنان جدائی حاصل شود و زن بطور ابدی بر مرد حلال نیست اگر مردی با زنی که عده وفات و یا عده طلاق داشته ندانسته ازدواج کرد و بعد از گذشتن عده او با او نزدیکی نمود در این صورت تکلیف چیست؟ مقتضای اطلاق ماده ۱۰۵۱ قانون مدنی و احتیاط آنست که چون ازدواج با آن زن در عده او واقع شده از این رو هر چند هم نزدیکی با او بعد از گذشتن عده او اتفاق بیفتد ازدواج بین آن زن و این مرد برای همیشه حرام خواهد بود ولی چون انصراف یا ظهور روایات آنست که نزدیکی هم در عده زن واقع شده باشد تا موجب حرمت ابدی گردد و مقتضای اصل هم عدم حرمت دائمی است از این رو میتوان عقیده مند بود که اگر ازدواج ندانسته در عده منعقد گردد و نزدیکی بعد از گذشتن عده واقع شود ازدواج این زن و این مرد برای همیشه حرام نیست.

برابر قسمت اخیر ماده ۱۰۵۱ اگر مرد جاهل بیکى از امور زیر باشد ۱- جاهل باشد که در ازدواج دیگری است ۲- جاهل باشد که ازدواج با زن شوهردار حرام است ۳- جاهل باشد که در عده طلاق یا در عده وفات است ۴- نداند که ازدواج با چنین زنی حرام است.

در این حال با زنی ازدواج کند و نزدیکی واقع نشده باشد عقد مزبور باطل ولی حرمت ابدی حاصل نمیشود.

## توضیح در اطراف مجله تاریخ اسلام

### یاجواب بیاوه سرائی رقباء

بقرار اظهار بعضی از علاقمندان و قارئین مجله تاریخ اسلام در مجامع بدون جمعیت و یا مجلس وعظ بدون مستمع ناطقی بشرح ذیل از روش مجله ما انتقاد نموده است و یکی دو نفر از معاندین از بیانات او اتخاذ سند و یا سوء استفاده کرده اند :

۱ - مجله تاریخ اسلام از آقای تفضلی وزیر سابق اطلاعات و رادیو تجلیل نموده است .

۲ - اعلیحضرت ملك حسين پادشاه کشور هاشمی راستوده است .

۳ - مجله شماره ۸ هیچ گونه مطلب دینی ندارد و در پشت جلد کلمه دینی را بدون پایه ذکر میکند ،

بنده مدیر مجله تاریخ اسلام از سال ۱۳۲۲ که موفق بگرفتن این امتیاز شدم مکرر در نشریات خود باینگونه گویندگان برخورداردهام بعضی از آنان از دنیای امروز بیخبر و فرمایشاتشان متناسب با عصر حجر و حسن نیتشان نیز مشکوک است و بعض دیگر محققاً حسن نیت دارند ولی از مرحله پرتند و بعض دیگر تحقیقاً حسن نیت ندارند و همج الرعاع گاهی مقدس معتکف مسجدی و گاهی سیاسی دو آتش و گاهی باقتضاء زمان منزوی میگردند .

بنده نگارنده هیچوقت در مقام معارضه با آنان بر نیامدهام زیرا از مجمعی که زیاده از تاپلو ندارند و مجلس وعظی که مستمعش فقط صاحب خانه است ضرری

بحیثیت مجله ما وارد نمی آمد این دفعه باصرار بعضی از کسان و رفقاء بدون اینکه معارضه بمثل کنم فقط توضیحی در اطراف این انتقادات داده و تشخیص حق را بخوانندگان وامیگذارم .

۱ - قسمت اول راجع به تجلیل از آقای تقضلی که خداوند متعال شهادت بنده زیاده از یکمرتبه ایشان را در یک دعوت عمومی انجمن روزنامه نگاران آنها بعد از انتشار شماره ۸ ندیده ام و هیچگونه آشنائی و روابطی قدیماً و جدیداً با ایشان نداشته و ندارم .

اینک اصل مطلب - همه ایرانیان و غیر ایرانیان میدانند که مدت ها است ایالت بحرین جزء لاینفک ایران را بر خلاف حق و حقیقت از کشور ما تجزیه کرده و به تحریک اجانب اولیاء امروزه بحرین با برادران وطنی و دینی خود کاملاً بیلطفی مینمایند و بعضی از دول مغرض علاوه بر اینکه موضوع اختلاف بحرین را دامن میزنند نام خلیج فارس را که کتب دنیای قدیم و جدید مشحون از این نام است تغییر داده و نام دیگری که قلم من از تصریح بآن خودداری دارد بر آن گذارده اند این عمل اعلان جنگ نیست که از طرف ملت ایران جواب دندان شکن باشمشیر بسوء استفاده کنندگان داده شود - بلکه این تبلیغ مسموم کننده اذهان ساده لوحان و جوانان کشورهای ذی علاقه میشود .

حال از مجرای سیاست دولت ما در قبال این حرکات چه وظیفه ای دارد آیا بوظیفه خود عمل کرده و یا سیاست امروزه بین المللی اجازه شدت در عمل را نمیدهد و باید بامتانت اقدام کرد بنده که اهل سیاست نیستم بی اطلاع هستم .

بهر حال در این موقع یکنفر وزیر اطلاعات کارت تبریک عیدی برای رفقاء و وابسته گان وزارت خود که جرائد و مطبوعات باشند تهیه مینماید و این کارت مشتمل بر ۸ صفحه که بدواً چوکان بازی باستانی را تشویق و ضمناً برای اینکه در اذهان مردم یکمرتبه دیگر مزخرف بودن این تبلیغ سوء را گوشزد کند نقشه ایران را با خلیج در یک صفحه کشیده و توضیح میدهد که دانشمندان و اهل فن را در مجمعی



گرد آورده و بادلائل و براهین زیاد که در مذاکره و خطابه‌های آنان از روی مدارک و اسناد و نقشه‌های قدیم و جدید و سنجش وضع تاریخی و اجتماعی و طبیعی و جغرافیائی و اجتماعی و اقتصادی موضوع مورد بحث و مذاکره قرار گرفته و نتیجه میگیرد که نام خلیج فارس قابل تغییر نیست و وعده داده که شرح این جریان را بوسیله کتابی منتشر کند.

مجله تاریخی از کارکنان اداره تبلیغات که این اقدام منطقی را که با حدت نطق و قلم بمعرض افکار جهانیان گذارده اند تشکر کرده است چه اعتراضی بر اینکار وارد است.

آیا این عملیات کار بدو بی‌هوده بوده یا مستحسن و خوب بوده است و اگر خوب بوده (چون هیچ ایرانی نمیتواند چنین عمل شایسته‌ای را بدو غیر لازم بداند) چه عیبی داشته که از طرف یکی از جراید که جنبه تاریخی دارد ستوده شود آنهم بنام تشکر از کارکنان اداره کل تبلیغات نه شخص البته این اقدام بدستور وزیر وقت بوده و او نیز سهمی دارد. آقای تفضلی امروز تماس با مجله ندارد که ما خواسته باشیم از ایشان تملق بگوئیم ولی کار خوب از هر کس صادر شود قابل تقدیر است.

۲- قسمت دوم - راجع به پادشاه کشورهای اردن ما زیاده از آنچه واقع شده چیزی ننوشته‌ایم - مؤتمر اسلامی در کشور اردن تشکیل شده نمایندگان کشورهای اسلامی از طرف دول اسلامی ماموریت داشته و یا مستقیماً بنام مدیر جریده یا عالم و یا مورخ و یا واعظ باین انجمن دعوت شده اند - و بسیار خوب هم از مدعوین پذیرائی شده و بعد هم بواسطه خطابه‌ای که از طرف اینجانب القاء شده به بنده نشان استقلال درجه دوم کشور خود را اعطاء فرموده مخصوصاً دربار اردن نشان را بوسیله وزارت امور خارجه ایران بدبندگی تسلیم کرده تارعیات مقررات بین‌المللی را هم از حیث اعطاء نشان باتباع خارجه را نموده باشد وزارت خارجه هم بوسیله وزارت کشور از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی تحصیل اجازه نموده و بعد بوسیله اداره تشریفات باینجانب اعطاء کرده و باینحال و با حسن رابطه‌ای که بین کشور

ما و کشور هاشمی اردن و صمیمیت مخصوص که بین اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران و اعلیحضرت ملک حسین پادشاه اردن هاشمی زبان زد خاص و عام است جواب احسان با احسان چه عیبی دارد مگر خداوند در قرآن فرموده هل جزاء الاحسان الا الاحسان. پادشاه کشور هاشمی اردن سید جلیل القدر که بزرگی را از زمان آدم ابوالبشر تا بحال بارث برده و از زمان بعثت جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله خدا نواده اش مقتدای مسلمین و علاوه بر تمام فضائل خاصه از زمان علی بن قتاده اجداد و پسرانش بواسطه تصدی بشرافت مکه معظمه (یعنی سلطنت حجاز) یکی بعد از دیگری تاریخ اسلام را زینت داده اند و بقاعده ای که ابن خلدون مورخ شهیر وضع یا نقل کرده بزرگی همین که موروثی و قدیمی بود در اشخاص ملکه و جز عذات آنان بشمار می آید .

تجلیل از یک چنین شخصیت عظیمی در مقابل ابراز مراحم مخصوص حق شناسی است که از مزایای خاص ایرانی مخصوصاً خانوادگی اینجانب است - تا کور شود هر آنکه نتواند دید .

۳- در مسلك دینی مجله تاریخ اسلام- که این ناطق محترم عنوان نموده فوق العاده مضحك است منتقد مزبور گویا بمندرجات شماره ۸ که در صدر آن مقاله ولایت عهد حضرت رضا علیه السلام و موجبات آن قرار گرفته و جامع ترین مقاله ایست که مطالب آن با اشاره قرائن زمان تنظیم شده توجهی فرموده اند - آری عیب جو غیر از خواسته خود چیزی نمی بیند گواه عاشق صادق در آستین باشد.

برادران عزیز این طریق رویه تبلیغ ملی و تاریخی و وطنی نیست مقررات دین اسلام بما امر میکند که وطن خود را دوست بداریم و با تمام قدرت از آن دفاع کنیم چه طبق حکم شرع اسلام جهاد بدون اذن امام جائز نیست و با اجازه هم فقط اشخاص مکلف سالم و بدون عذر موجه باید در آن شرکت کنند ولی دفاع از وطن و اراضی مسلمانان اجازه نمی خواهد و بر مردوزن و سالم و غیر سالم بالغ و غیر بالغ و تمام افراد واجب و لازم است و بحکم عقل هم باید چنین باشد زیرا اگر وطن مصون نباشد نمیتوان در آن مقررات دینی را ترویج و اجراء نمود.

دوست داشتن وطن توام و ملازم بادوست داشتن هم وطنان خاصه اشخاصی که  
یکنوع تخصص و برجستگی هم برای مقابله با معاندین دارند میباشد که افراد اعلامند  
عملیات وطنی و مذهبی آنان را تقدیر نمایند نه اینکه هر کس را که دیدند مختصر  
موقعیتی دارد با اینکه مشغول خدمت است بمناسبت اینکه آلت دست آنان نشده و یا  
رویه احتیاطی در مقابل عواقب وخیم اتخاذ نموده است بباد انتقاد گرفته و آنان را  
لجن مال نمایند و فکر نمایند که مثلاً نویسنده که آنان را نمی شناسد و خدماتی  
اگر هم داشته اند باطلاع او نرسیده چه تقصیری دارد که مروج آنان نشده است و  
یا اتخاذ رویه احتیاط که شرط عقل و حکم متین دین اسلام مخصوصاً مذهب شیعه اثنی  
عشریه است چه عیبی دارد که معمول داریم اگر ما پیرو اهل بیت عصمت و طهارت  
صلوات اله علیهم هستیم چرا اعمال و سوابق زندگانی آنان را سرمشق خود قرار  
نمیدهیم که چگونه با مخالفین و معاندین خود سلوک میکردند - و بدیها را بخوبی  
پاسخ میدادند تا آنان شرمنده شوند چرا ما چیزی را که اساساً ما ربطی ندارد  
مورد انتقاد قرار میدهیم اگر میخواهیم معروف شویم چه مانعی دارد که ما هم مثل  
آنان دست با اقدام مثبتی از قبیل نوشتن کتاب و مجله و مقاله بز نیم تابا داشتن حسن-  
نیت از آنان سبقت هم بگیریم .

کوچک کردن مردم که موجب عظمت ما نمیشود بزرگان گفته اند که عقلاء  
باید در اصلاح خود بکوشند تا سائرین نیز بآنان اقتداع و یار قابت کرده تماماً اصلاح  
شوند - اشتباه نشود در رقابت در کلیه امور مستحسنه مستحسن است و دشمنی محسوب  
نمیشود زیرا رقیب فقط سعی میکند که خود را از رقیب پیشتر برود در مقام سلب چیزی  
از رقیب نیست و در عبادت و تحصیل و اعطاء صدقات و امثال آنها مستحسن و ممدوح است  
چه شده که ما کار مشروع نافع بحال خود را گذارده و بکارهای غیر مشروع مضر  
به سائرین پرداخته ایم که البته آنان نیز جان و رمق داشته و معارضه بمثل می نمایند  
که تا بمقصد خود که انتقاد از آنان باشد نائل نشده و دشمنان قوی نیز برای خود  
بتراشیم من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم - تو خواه از سخنم پند گیر و  
خواه ملال . هیئت تحریریه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خلاصه ای ندای امین العالم به مسلمانان در مکه معظمه

در ذیحجه ۱۳۸۳

ای مسلمانان :

درود قلبی من بر مسلمانانیکه خداوند زیارت بلاد مقدسه را برای اداء فریضه حج نصیب آنان کرده است و دعاء خیر جهت فراهم شدن استطاعت و قدرت برای کسانی که متمکن نبودند تا باین زیارت قائل شوند و بعد ای مسلمانان خداوند حج بیت الحرام را واجب و مسلمین را با اجتماع در مکه معظمه برای بجا آوردن اعمالی و بهره مند شدن از این اجتماع عمومی در تقویت دینشان و اصلاح دنیاشان و تقویت و تشدید یگانگی آنان امر فرمود .

از فضل و رحمت خدای بزرگ، ما همت گماشتیم بر استفاده از حکمت حج برای تحقق پیدا کردن تعاون اسلامی .

ما اعضای رابطه عالم اسلامی با خدای بزرگ عهد کرده ایم بر اینکه :

۱- وظیفه الهی را نسبت به تبلیغ رسالتش و نشر آن در جمیع نقاط عالم انجام دهیم .

۲- مسلمانان را دعوت کنیم بر پیش گرفتن بر یکدیگر در راه عمل خیر خواهی و سعادت جهت عالم بشریت و محقق ساختن عدالت اجتماعی بین افراد و ایجاد اجتماع دانشمند قوم و خداوند را گواه میگیریم که در اینکار هرگز فساد

نسبت باحدی درس نداریم و در راه دینی بدین هدفها چنین قصد داریم :

۱- نهایت کوشش در ایجاد وحدت مسلمین و رفع موانع آن .

۲- پشتیبانی از هر کس که دعوت بخیر و هدایت میکند .

۳- برای ایفاء باین عهد از جمیع امکانات مادی و معنوی و ادبی استفاده

می کنیم .

و هر آینه مقرر میداریم که :

اولا برای تحقق این اغراض مجاهدت خود را از طریق اقدامات مثبت مسالمت

آمیز بکار بریم .

ثانیا اختلافات گذشته و ذکر آنها را بیک سو افکنیم .

ثالثا آشکار و نمایان کنیم که در اسلام مذاهب مختلف از قبیل شعوبیه و عنصریه

و غیره نیست در خاتمه باز متذکر میشود که رابطه عالم اسلامی و میثاق و مبارزات برای

دعوت همگی مسلمین است بر اینکه نسبت بانجام این امر واجب بزرگ دست بر

دست یکدیگر دهند، و الا این رابطه بتنهائی قادر بر ایفاء این وظیفه مهم بدون معاضدت

کلیه مسلمین نیست .

### رابطه عالم اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

نداء

### من رابطه العالم الاسلامي

« واذن في الناس بالحج يا توك رجالا وعلى كل ضامر يأتين من كل فج

عميق ليشهدوا منافع لهم و يذكروا اسم الله في ايام معلومات

على ما رزقهم من بهيمة الانعام » .

ايها المسلمون : لهذا نداء و دعوت بهيئت و كماله و بهيئت و قوت و

تهنئة من القلب لاخواننا الذين كتب الله لهم زيارة البلاد المقدسة لاداء فريضة

الحج ، و دعاء بالاستطاعة والقدرة لمن لم يتمكنوا من القدوم . « والله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا ومن كفر فان الله غني عن العالمين » .  
ايها المسلمون : ينبغي تواليه في كل وقت وفي كل حال .

تجتاح عالمنا الاسلامي اليوم امواج عاتية من النظم و المبادئ و العقائد والمذاهب ، و تتحالف هذه القوى و تنتظم في هجوم مركز على عقائدنا و تقاليدنا . وتتعاقب هذه الهجمات وتتوالى ، و تتفاوت في اساليبها و تنفن في وسائلها و طرقها مستهدفة القضاء على تقاليدنا الصالحة الزاخرة بالمثل الانسانية العليا مصممة على دك حصون المنعة الاجتماعية فيها تلك المنعة التي قاومت و ماتزال تقاوم اشد الاسلحة فتكا و تدميرا .

و تزحف هذه القوى الباغية و تلتقي في تكتيك بارع و تخطيط مرسوم رائع ، تقوده الرسائل التبشيرية المختلفة ، والمعاهد الاجنبية المتعددة ، والمساعدات التي ظاهرها الرحمة و باطنها العذاب ، و كلها تبغى اخراج المسلمين من عقيدتهم التي هي قلعتهم الوحيدة المنيعة ضد جيوش الشر و الفساد ، ودعاة الاباحية و الاجرام .  
ايها المسلمون :

ان تضافر هذه القوى بالرغم مما بينها من عداوة و بغضاء يجب ان يشد عزائمنا ، ويؤلف قلوبنا ، و يجمع شملنا ، لاننا مع الحق دائما يغري اهل الباطل بالتجمع على مناوآته ولو كانوا شيعا و احزابا و هذا ما يجعلنا نؤمن بأن العالم الاسلامي سيخرج من هذه المعركة الرهيبة - بعد تمحيص و ابتلاء - اقوى ما يكون بناء و اصفى ما يكون جوهرها .

ايها المسلمون :

لقد شرع الله الحج الى بيته الحرام ، و امر المسلمين بالاجتماع عند بيته في المشاعر المعظمة ليؤدوا ما واجب عليهم و ما امرهم بادائه و لينتفعوا من هذا الاجتماع العام في تقوية دينهم و اصلاح دنياهم ، في تكتيل قواهم و تمكين اتحادهم .  
ولقد كان من فضل الله تعالى علينا ان الهنا الاستفادة من حكمة الحج و مجالها

الخصب لتحقيق التعاون الاسلامى - فى هذه الظروف الحرجة التى يجتازها المسلمون من اخطار سياسية وفكرية تهدد عقيدتهم، فاسفر عن ذلك انبثاق رابطة العالم الاسلامى التى اتخذت مركزها فى مكة المكرمة مهد الاسلام، مقر القبلة والمسجد الحرام، و انتخبت لها مجلسا تأسيسيا للعمل على توحيد الكلمة و توثيق عرى التعاون بين المسلمين وحثهم على العمل لدنياهم و آخرتهم، وتطوير الرابطة بحيث تصبح الرابطة حقيقة بين قوى العالم الاسلامى كما يتضح ذلك من ميثاقها الذى نص على ما يلى :

«الحمد لله رب العالمين، و الصلاة والسلام على رسول الله و على آله و صحبه اجمعين .

نحن اعضاء رابطة العالم الاسلامى الممثلين له تمثيل عقيدة و ايمان نعاهد الله

تعالى على :

ان نؤدى فريضة الله علينا بتبليغ رسالته و نشرها فى جميع انحاء العالم . و ان نؤكد من جديد ايماننا بانه لا سلام للعالم الا بتطبيق القواعد التى ارساها الاسلام .

وان ندعو - الامم عامة الى التسابق فى ميدان العمل لخير البشرية و اسعادها و تحقق العدالة الاجتماعية بين افرادها، و ايجاد المجتمع الانسانى الافضل و ان نشهد الله على اننا نريد افسادا لامر احد، و لا سيطرة على احد و لا هيمنة على احد . و فى سبيل هذه الاهداف، اعتزنا القيام بما هوآت :

ان نبذل قصارى جهدنا فى توحيد كلمة المسلمين و ازالة عوامل التفكك المحيطة بالمجتمعات الاسلامية المنتشرة فى بقاع العالم . و ان ندلل العقبات التى تعترض انشاء جامعة العالم الاسلامى .

وان نساند كل من يدعو الى الخير و الهدى و نساعده على تادية مهمته الاسلامية . و ان نستخدم جميع ما نملكه من وسائل - روحية و مادية و ادبية، لتحقيق ما نصبو اليه فى هذا الميثاق .

وقد قررنا :

ان نوحد جهودنا لتحقيق هذه الاغراض بطريق ايجابى سليم .

ان طرح كل دعوى جاهلية قديمة وحديثة .  
وان نعلن ان لاشعوبية ولاعنصرية في الاسلام .  
ايها المسلمون :  
لما كان آخر هذه الامة لا يصلح الا بما صلح به اولها ، فما اجدرنا ان نبدا  
الطريق نحو اجتماع الشمل من حيث بداه القائد محمد صلى الله عليه وسلم وان نشهد  
معالم وحدتنا ورسالتنا بين يدي الله في بيته العتيق وفي منازل الرحمة وفي عرفات .  
وان رابطة العالم الاسلامي و هذا ميثاقها وهذه مبادئها لتدعوكم جميعا ان  
تعاونوها على القيام باداء هذا الواجب العظيم لان الرابطة لن تقدر وحدها على حمل  
امانتها الكبرى الا بتأييد من المسلمين جميعا .  
وفقنا الله و اياكم للعمل بما جاء في كتابه الكريم و سنة نبيه خاتم الانبياء و  
المرسلين و الحمد لله رب العالمين .

ذو الحجة ١٣٨٣      الامين العالم لرابطة العالم الاسلامي



## نشریات دینی

در مکه معظمه مجله‌ای بنام الرابطة العالم الاسلامی منتشر میشود که تا شماره ۱۰ آن بدفتر مجله‌ما رسیده است.

و این جریده ارگان رسمی جمعیت رابطه اسلامی است که عده آنان ۲۱ نفر و از تمام کشورهای اسلامی باستثنای ایران يك و یادونفر عضوین انجمن هستند . بنده درسال جاری باتفاق جناب شریعتمدار آقای خلیلی عراقی و جناب آقای دکتر مجتهدی رئیس دانشکده علوم منقول و معقول از دستگاه رابطه اسلامی که منتخب مؤتمر اسلامی متشکل در مکه معظمه در سال ۱۳۸۲ هجری است بازدید کرده و با جناب آقای محمد سرور صبان مدیر کل رابطه و جناب آقای شیخ شوری مدیر مجله ملاقات کرده و مذاکرات کلی بعمل آمد که مورد قبول شیعه و سنی و شرح آن مفصل و درخور انتشار رساله مخصوص است و لب لباب مذاکرات این بود که تابعین علماء اربعه دعوی اتحادشان ازمرحله قول هیچوقت بمرحله فعل عمل نمیرسد بدلیل همین تشکیلات رابطه اسلامی که از ایران و بطور کلی از شیعه اثنی عشریه عضوی انتخاب نموده‌اند و حال آنکه یکی از علماء معروف ایران درمؤتمر اسلامی بوده باین ۲۱ نفر رأی داده است شیخ صبان و شیخ شوری ازجواب طفره رفتند ولی جناب آقای محمد محمود الصواف که با بنده دوستی دارند و تقریباً بیانات او دلداری و تسلی به بنده بود .

يقولون بافواهمم ما ليس في قلوبهم

جواب دادند که دوره اول بوده و مطالعات لازم بعمل نیامده بود انشاءالله در

دوره‌های دیگر جبران خواهد شد .

و این جواب تقریباً دلداری و تسلی باینجانب بود و از سیاق کلام استفاده میشود که قصد انشائی ندارند .

### نشریه دیگر

نشریه بنام المسلمون از مرکز اسلامی ژنو منتشر میشود که تحت نظر جناب آقای دکتر سعید رمضان مدیر کل مؤتمر اسلامی بیت المقدس است و با اینکه نویسندگان این مجله مدعی هستند که از تعصبات دور هستند باز بحق شیعه امامیه که ما هو حقّه قیام نمی کنند .

چنانکه در آخرین شماره که واصل شده مقاله ای راجع باجتهاد بقلم استاد فاضل بن عاشور نوشته و تمام علماء و نویسندگان کتاب و رساله را که از اطراف لزوم افتتاح باب اجتهاد قدیماً و جدیداً نوشته اند ذکر و تقریباً نتیجه گرفته که در مورد مصالح مسلمین که اخیراً حادث شده باید باب اجتهاد مفتوح باشد تا با استنباط از دلائل در موضوعات جدیده تکلیف افراد عادی را تعیین نمایند .

و ابدأً تذکر نداده که علماء اثنی عشریه منقفاً این عقیده را از صدر اسلام تا بحال بدون استثناء داشته و دائماً به برادران سنی مذهب خود این موضوع را متذکر میشدند که سد باب اجتهاد معنی ندارد .

زیرا ممکن است که بعد از فوت علماء اربعه علمائی یافت شوند که بهتر از آنان استخراج احکام نمایند بعلاوه علماء اربعه که در موضوعات مستحدثه نمی توانسته اند فتوی داشته باشند پس مسلمانان برای تعیین تکلیف خود چه کنند .

اگر فرق عامه با ما سرسازش دارند چه عیبی دارد حال که بحقانیت گفتار علماء شیعه معتقد شده اند در چنین موردی عقیده آنان را نقل کنند - چنانکه شیخ بزرگ و یگانه قرن حاضر بلکه قرنهای اسلامی شیخ محمود شلتوت بدون تعصب مراتب را تأیید کرد .

بنده توفیق زیارت این مرد بزرگ را نیافتم ولی یکی از دوستان اردنی بنده در مؤتمر

اسلامی سال ۱۳۸۱ بیت المقدس که تقریباً سمت میزبانی ما را داشت میفرمود که به شیخ عرض کردم که این فتوای شما در چهارده قرن اسلامی سابقه ندارد و علماء فرق اربعه بر شما میشوند جواب داد که من این فتوی را برای مقررات متین این مذهب داده‌ام و تصمیم اتخاذ کرده‌ام که استفتائات و اموری که راجع بطلاق در نزد من طرح شود طبق مذهب جعفری حکم بدهم زیرا تمام فرق اتفاق دارد که مبعوض‌ترین امر مباح در نزد پیغمبر اسلام طلاق است و باید هم چنین باشد زیرا طلاق مایه نفاق بین دو خانواده و موجب تولید فحشاء و سرگردانی اطفال و ولگردی و فساد آنان میشود.

فقه‌شيعه در این مورد بحدی محتاطانه است که مزیدی بر آن متصور نیست زیرا طهر غیر موقوعه و حضور عدلین، و در دو طلاق و یاسه طلاق تفرق مجلس و لزوم مجلس جدید و نکات دیگر را در نظر گرفته‌اند که کاملاً از طلاق جلو گیری میکند و در طریق عامه این امر بدین اهمیت سهل گرفته شده حال اگر مافقه شیعه را پیشرو ندانیم اقلاً بگذارید آن را فقه بدانیم. خداوند ما را براه راست هدایت کند.

علی اکبر تشیدمدیر مجله تاریخ اسلام

### انتشارات ما در دوره سوم

در جواب اعتراض مشترك..... که مجله بطور منظم منتشر نشده است زیرا از تاریخ خرداد ۱۳۳۹ تا بحال باید چهل شماره نشر شده باشد متذکر میشود که دارنده امتیاز مجله تاریخ اسلام قصدش از نشر مجله انتشار تألیفات خودش است و مراتب مکرر گوشزد شده تا هر که طالب تألیفات خود او است داوطلب اشترك بشود و معادل چهل شماره هم بشرح ذیل نشر شده است.

۱۴ خرداد ۳۹ مجله شماره ۱

تیرماه ۳۹ مجله شماره ۲

دیماه ۳۹ مجله شماره ۳

تیرماه ۴۰ قهرمانان اسلام جلد اول بجای شش شماره

بهمن ماه ۴۰ ارمنان جاوید بجای چهار شماره

شهریورماه ۴۱ مؤتمر اسلامی بجای ۱۲ شماره

آذرماه ۴۱ مجله شماره ۷

اردی بهشت ماه ۴۲ مجله شماره ۸

شهریورماه ۴۲ قهرمانان اسلام جلد دوم بجای دوازده شماره

شهریورماه ۴۳ مجله